

متن پرسش

با سلام: ببخشید استاد مزاحم می‌شوم. حقیقتاً چند سوال برایم وجود دارد: ۱. آیا بشر می‌تواند روزی به نهایت آسمان و کهکشان‌ها برسد؟ یعنی جایی که پایان کهکشان‌هاست و بالاتر از آن دیگر آسمانی نیست؟ ۲. آیا آسمان‌ها و کهکشان‌ها و سیارات مادی آسمان‌ها که می‌گویند فاصله فلان کهکشان تا ما ۱۳ میلیارد سال نوری است و.... ، پایانی دارد؟ یا آسمان بی‌نهایت است؟ اگر پایان دارد، بالاتر از آن چیست؟ باز هم عوالم مادی یا نه مثلاً عالم برزخ و شبه آن؟ ۳. اگر بشر آنقدر پیشرفت کند که بتواند به نهایت آسمان برسد، می‌تواند وارد عالم برزخ هم شود؟ ۴. فلاسفه می‌گویند که عوالم عالم برزخ بی‌نهایت است. خب ذات خدا هم بی‌نهایت است. بنابراین آیا می‌توان گفت که ذات خدا بی‌نهایت برابر عالم برزخ است؟ یا چون هر دو بی‌نهایت هستند، دیگر خداوندی که در مقام ذات قرار دارد نمی‌تواند بزرگی و عظمتش بی‌نهایت عالم برزخ باشد؟ (یعنی بی‌نهایت بینهایت باشد). ۵. ببخشید استاد چند وقتی است که شبهه‌ای برایم پیش آمده. وقتی می‌بینم که این همه تکنولوژی و توانایی بشر با سرعت سرسام‌آوری در حال پیشرفت است، می‌گویم نکنند که این بشر روزی برسد که بتواند به نهایت آسمان برسد و قادر به هر کاری باشد و بتواند هر تصرفی در عالم بکند و از آنجایی هم که در یک مقاله‌ای خواندم که دانشمندان راههایی برای جلوگیری از پیری و مرگ را شناسایی کرده‌اند، می‌گویم نکنند که این بشر روزی برسد که بتواند تبدیل به موجودی شود که امکان نمردن داشته باشد و مرگ بر او غالب نشود و بتواند برای همیشه زندگی کند و علاوه بر این به قدرت‌های سرسام‌آوری هم با پیشرفت علم دست یابد که بتواند نعوذ بالله همانند خدا هر دخل و تصرفی در عالم بکند و قدرت بر انجام هر کار بزرگی را داشته باشد و حتی بتواند موجودی را خلق کند. (آخه در کتاب زیست‌شناسی خواندم که حتی دانشمندان در زیست‌شناسی به این دانش رسیده‌اند که می‌توانند یک ژن از گوشه‌ای از جایی بدن فرد X را در بیاورند و قرار دادن آن در محیط کشت، یک انسان همانند و دقیقاً مثل همان فرد X، به وجود آورند. هرچند که این عمل، خلق انسان نیست. اما گفتم شاید بتوانند در آینده به این علم دست یابند. خلاصه استاد از وقتی که این افکار به ذهنم اومده، استغفرالله، عظمت و قدرت خدا در ذهنم کمرنگ شده و می‌گم ممکنه انسان به جایی برسه که نعوذ بالله در مقابل خدا قدم علم کنه و بتواند همانند او بسیاری از کارها را بکند؟ هر چند که انسان است و خدا نیست و از این بابت این فکر خیلی ناراحت هستم. اما نمیدونم چطوری و با چه دلیلی این فکر و تصورم را رد و نقد کنم. خواهش می‌کنم کمک کنید تا از این فکر خلاص شوم و پی‌پی به قدرت بی‌انتها و عظمت غیر قابل وصف خدا ببرم. ممنون. خواهش می‌کنم جواب بدهید و به فایل‌های صوتی و کتاب، ارجاع ندهید.

باسمه تعالی: سلام علیکم: هرچه در عالم ماده جلو برویم همواره با ماده روبه‌رو هستیم مگر این‌که افق تفکر و شخصیت خود را به عالمی برتر یعنی عالم مجردات سیر دهیم. از طرفی، بی‌نهایت‌بودن عالم مجردات مثل عالم برزخ، بی‌نهایت‌بودنی است در عین مخلوقیت. ولی بی‌نهایت‌بودن خداوند، بی‌نهایتی است در عین خالقیت که وجودش به غیر محدود نمی‌شود.

عنایت داشته باشید حوزه‌ی عالم ماده، مقهور عالم مجردات است مثل آن‌که «تن» مقهور نفس ناطقه‌ی انسانی و یا روح انسان است و هر اندازه انسان در «بدن» دقت کند و در جزئیات آن جلو رود، بالاخره از حوزه‌ی بدن که مقهور عالم غیب است، خارج نمی‌شود. پیشنهاد بنده آن است که جهت رفع ابهامات خود مباحث «ده نکته در معرفت نفس» و «برهان صدیقین» همراه با شرح صوتی آن مطالعه کنید وگرنه همواره با همین سؤالات مبهم مشغول خواهید بود. موفق باشید